



## چرا جوان‌ها ساعت‌ها در اینترنت وقت می‌گذرانند؟

زندگی‌شان یا حداقل بخش مهمی از آن با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌گذرد. معاشرت‌ها، حرف زدن‌ها و عصبانیت و شادی‌شان را همان جا می‌گذرانند.

زندگی‌شان یا حداقل بخش مهمی از آن با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌گذرد. معاشرت‌ها، حرف زدن‌ها و عصبانیت و شادی‌شان را همان جا می‌گذرانند. وقتی هم کنارشان می‌نشینی منبع حرف‌هایشان اینترنت است و شبکه‌های اجتماعی. البته با این گوشی که مدام دستشان است اصلاً هم این حال و هوا عجیب و غریب نیست.

به گزارش ایسنا، روزنامه ایران در ادامه نوشت: «شاید بشود دلایل وقت‌گذرانی جوان‌ها در این فضا را به چند دسته تقسیم کرد؛ تقسیم بندی که شاید همه آن چه جوان‌ها به خاطر آن در این شبکه‌ها وقت می‌گذرانند، دربرگیرنده اما می‌شود گفت اصلی‌ترین دلایل‌شان است برای انتخاب مجازی بودن. بعد از خواندن این گزارش متوجه می‌شوید جوان‌ها همیشه راهشان را برای بیان حرف‌هایشان پیدا می‌کنند و در این دوره و زمانه راهشان فضای مجازی است.

### خبرخوانی

خبرها را از شبکه‌های اجتماعی می‌خوانند و دنبال می‌کنند. یکی از مهمترین دلایل وقت‌گذرانی‌شان در این فضا همین پیگیری اخبار است و شاید به همین دلیل دیگر کمتر جوانی را می‌شناسید که از آن چه در کشور و دنیا می‌گذرد، بی‌خبر باشد. البته علاقه به اخبار به همین محدود نمی‌شود و معمولاً همان‌جا و بلافاصله شروع می‌کنند به تجزیه و تحلیل و حرف زدن درباره‌اش؛ مخصوصاً اگر اخبار به موضوعات سیاسی و اجتماعی مربوط باشد. خبرهایی مثل انتخابات، اختلاس، اتفاقاتی که در مجلس می‌گذرد، آخرین اخبار دولت، قوانین، اتفاقات مربوط به گروه‌های مختلف جامعه مثل کارتن‌خواب‌ها، معلمان و... اخباری است که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع شبکه‌های اجتماعی پس از انتشار هر خبر مهمی شبیه تریبون آزادی می‌شود که هر کدام از جوان‌ها پشت آن می‌روند و حرف می‌زنند و نظرشان را می‌گویند. با هم دعوا می‌کنند و طرف مخالف را می‌کوبند یا نه قانع می‌شوند که البته این آخری کمتر اتفاق می‌افتد. تریبونی که در جامعه و در فضایی غیر از شبکه‌های اجتماعی معمولاً نیست یا تنها به گروه خاصی از جوان‌ها تعلق دارد.

رها نکردن آن چه مهم است

دغدغه‌های اجتماعی و محیط زیستی جوان‌ها چند سالی است که بیشتر شده و نسبت به آن هم حساس هستند و هم واکنش نشان می‌دهند. برای بیان این دغدغه‌ها و فعالیت‌هایشان شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی به نظر می‌رسد. اگر حیوانی آزار ببیند، حیات دریایچه و رودی تهدید یا عکسی از قطع درختان منتشر شود بلافاصله خبر و عکس‌ها را بازنشر می‌کنند و آن قدر پیگیر می‌شوند تا شاید به نتیجه برسند. همین پیگیری‌ها و بیان دغدغه‌ها هم باعث شد پرونده چند حیوان آزاری جنبه رسمی پیدا کند و با ورود دستگاه قضا مقصر به مجازات برسد.

این دغدغه‌ها و پیگیری‌ها در شبکه‌های اجتماعی فقط به اینها محدود نمی‌شود. مشکلات و شرایط کودکان کار، زنان و خشونت هم در این شبکه‌ها بیان می‌شود و جوان‌ها دنبال راهکار برایش می‌گردند و حداقل سعی می‌کنند با بیانش بقیه را هم نسبت به اینها حساس کنند. هر از گاهی هم کمپین‌هایی برای این مسائل راه می‌افتد که معمولاً هم جواب می‌دهد. جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی برای افراد نیازمند هم از آن چیزهایی است که جوان‌ها را به شبکه‌های اجتماعی می‌کشاند.

با مرور اینها می‌شود گفت جوان‌ها دوست دارند فعال و اثرگذار باشند و گستره شبکه‌های اجتماعی و حضورش در خانه‌ها و بین مردم باعث شده بخواهند این فعالیت را در این شبکه‌ها نشان دهند و همین‌جا پیگیر چیزهایی باشند که برایشان مهم است.

به امید اصلاح رفتارهای اشتباه

خودانتقادی! رفتارهایمان اشتباه است؟ چه جایی بهتر از توئیتر و اینستاگرام و فیسبوک برای نقد؟ خیلی‌ها می‌گویند از

وقتی شبکه های اجتماعی همه گیر شده بعضی رفتارهای اجتماعی اصلاح شده یا حداقل به تند و تیزی گذشته نیست. در این شبکه ها نژادپرستی، بی احترامی به دیگران، رفتارهای تخریبگر محیط زیست مثل زباله ریختن یا حیوان آزاری، بی توجهی به کودکان و حقوق آنها کمتر شده است. هرچند گاهی آتش این خود انتقادی آن قدر تند می شود که به خودکم بینی منجر می شود. این که همه دنیا خوبند و ما بد. جوان ها در این شبکه ها بیش از کاربران دیگر به این رفتارها واکنش نشان می دهند و از آن می نویسند و عکس هایش را منتشر می کنند. آنها می خواهند آن چه به عنوان خصیصه بد شناخته می شود، اصلاح کنند. شاید چیزی شبیه مصلح اجتماعی. گر چه گاهی آن قدر تند می روند که خودشان به جای نقد رفتار اشتباهی مثل توهین کردن به فرد خاطی را انجام می دهند.

روزمره نویسی

شاید بگوئید در صفحات بعضی جوان ها هیچکدام از این چیزها را نمی بینید. درست هم می گوئید چون خیلی از آنها از این فضای بی حد و حصر و بدون سانسوری که در اختیارشان است برای حرف زدن از خودشان استفاده می کنند. حرف زدن و بیان چیزهایی که در زندگی روزمره با آن درگیرند و برایشان مهم است؛ سفر، عشق، رابطه با خانواده، مشکلات و شادی های زندگی و حتی غذا. چیزهایی که باعث می شود بعضی از کاربران لقب روزمره نویس بگیرند. یعنی کسانی که عادت دارند حال و هوای روزمره شان را با کاربران دیگر به اشتراک بگذارند. در توییتر معمولاً درباره این زندگی روزمره می نویسند و در اینستاگرام عکسش را منتشر می کنند. عکس های لباس تازه، کتابی که می خوانند، رستورانی که رفته اند، غذایی که پخته و خورده اند، میهمانی هایی که رفته اند و...

نوشتن از شکست های عشقی، درگیری هایی که با خانواده دارند، حال و هوا و ماجراهای دانشگاه و حیوانات خانگی بیشترین سهم روزمره نویسی را در توییتر دارند. بزرگترها و آنهایی که سال های جوانی شان گذشته برایشان عجیب است که جوان ها دوست دارند رازهای زندگی شان را با غریبه ها به اشتراک بگذارند اما شاید جوابش آزادی این شبکه ها باشد. جامعه ای که هنوز با باید و نبایدهایش یا قوانینی که بسیاری از حرف ها را غیر قانونی می داند باعث می شود شبکه مجازی بدون قانون بازدارنده برای حرف زدن از زندگی جذاب تر به نظر برسد؛ جایی برای حرف زدن.

کی چی پوشیده

جوان هایی هستند که از شبکه های اجتماعی برای پیگیری آن چه دوست دارند استفاده می کنند. بعضی ها کتاب، بعضی ها فیلم و تئاتر و آخرین اخبارشان و بعضی ها هم مد و لباس و غذا. در اینستاگرام پیج های زیادی می بینید که دستور غذا می گذارند و غذاهای سنتی ایرانی یا فرنگی را به اشتراک می گذارند. صفحاتی که طرفداران و فالوورهای بسیاری دارند. غیر از این صفحات معمولاً وطنی، کم نیستند صفحات خارجی مد و لباسی که بین صفحات محبوب جوان های ایرانی قرار می گیرند. از همین صفحات متوجه می شوند ستاره سینما، موسیقی یا ورزشی مورد علاقه شان چه می پوشد و چطور آرایش می کند. از همین صفحات از آخرین محصولات مارک ها و برندهای محبوب شان باخبر می شوند و اینها باعث می شود صفحات دیگری هم برایشان جذابیت پیدا کند؛ صفحاتی که لباس و لوازم آرایش به صورت اینترنتی می فروشند. گاهی اصل و گاهی تقلبی و به قول معروف فیک. مجموعه اینها چیزهایی است که طرفداران زیادی بین کاربران جوان ایرانی دارد و معمولاً دنبال شان می کنند. بخش به قول خودشان رنگی رنگی و خوشگل زندگی. از آنها یاد می گیرند چطور لباس بپوشند، برای شام میهمانان شان چه درست کنند و حتی دکور خانه شان را چطور عوض کنند. این هم یک جای خالی دیگر را نشان مان می دهد؛ نمونه های وطنی که بشود از آنها در رسانه های رسمی استفاده کرد. حرف زدن از مد در تلویزیون هنوز هم تابو است و در مطبوعات هم چند سالی است که حرف زدن از آن باب شده است. هر چند که جوان ها دیگر چندان اهل مجله خواندن نیستند و به نظرشان هم حرف هایشان چندان به روز نیست.

کل کل روی سکوهای شبکه های اجتماعی

جوانی و ورزش خیلی وقت ها کنار هم قرار می گیرد. ورزش هایی که هر بار مسابقه های تیم های ملی و باشگاهی اش باعث می شود لحظه به لحظه کاربران طرفدار در شبکه های اجتماعی درباره اش بنویسند. با هر گل بنویسند؛ گلرنگ و با هر برد عکس قهرمان ها و برنده ها را بازنشر کنند. کل کل های فوتبالی خیلی وقت است از سکوهای ورزشگاه به پیج ها و کامنت ها کشیده شده است؛ مخصوصاً برای دختران جوانی که راهی به ورزشگاه ندارند و اتفاقاً برگزاری هر مسابقه فوتبال باعث می شود از این مسأله هم بنویسند. دخترها در این فضا خیلی راحت و بدون پرده پوشی از تیم مورد علاقه شان می نویسند و کل کل می کنند و از برد و باخت تیم شان می نویسند. ورزش هایی مثل پارکور هم که به صورت رسمی کمتر به آنها پرداخته می شود در این شبکه ها جایگاه خوبی دارند و بازیکنان و

طرفدارانش درباره اش می نویسند و فیلم های خودشان را منتشر می کنند تا بقیه کاربران هنرشان را ببینند.

تصویری که از ورزش در این شبکه ها می بینید با آن تصویر اتو کشیده و همیشه معرفی شده توسط رسانه های رسمی متفاوت است. اینجا می شود از بی اخلاقی بازیکنان، لیدرها و مربی ها راحت نوشت و حرف هایشان را منتشر کرد یا می شود کل کل کرد؛ بدون این که کسی ایراد بگیرد و کنایه بزند که دختر را چه به فوتبال.